



شمولیت عبارت از یک مفهومی است که توسط یونسکو به منظور مبارزه با محرومیتی که افراد دارای معلولیت خاص در آموزش و همچنین زمینه‌های متعدد دیگر تجربه می‌کنند، معرفی شده است.

اما نه تنها افراد دارای معلولیت‌های خاص باید برای اعمال حقوق خود بر موانع غلبه کنند.

علی‌رغم آرمان برابری که الهام‌بخش جوامع دموکراتیک است، اعضای آنها در یک ماتریس نابرابری گره خورده‌اند:

نظر به سن، فنوتیپ، جنسیت، توانایی/معلولیت، مذهب، سابقه تحصیلی، ملیت/قومیت،

برای برخی آسان‌تر از دیگران است که در شرایط خاص از حقوق خود استفاده کنند.

بیایید حق تحصیل را در نظر بگیریم:



بر اساس اصل شمولیت

هر دانش‌آموز حق دسترسی به بهترین آموزش ممکن را دارد.

در چارچوب شمولیت، آنچه «بهترین» است را نمی‌توان از طریق استانداردهای تعمیم‌یافته سنجید و بر همه تحمیل کرد. آنچه برای من بهترین است لزوماً برای شما بهترین نیست!

دقیقاً این تغییری است که معرفی این مفهوم آن را تحریک می‌کند: شناخت نیازهای دانش‌آموزان مختلف را تقویت می‌کند و دعوت می‌کند تا آنها را جدی بگیرند و پروسه‌های یادگیری را توسعه دهند که این تفاوت‌ها را در نظر بگیرند.

آموزش در زمان شمولیت



بنابراین، تحت پارادایم شمولیت، معلمان و مربیان باید تجربیات آموزشی که پروسه‌های رشد فردی را تقویت می‌کنند، مفهوم‌سازی کنند.

ساختارهای سفت و سخت، انعطاف‌پذیری را دشوار می‌کند.

بنابراین چالش پیش‌روی پالیسی‌سازان، انعطاف‌پذیری ساختارهایی است که در آن معلمان و مربیان می‌توانند راهبردهای آموزشی فراگیر را به نمایش بگذارند.

چالش معلمان و مربیان این است که تا حد امکان فراگیر در چارچوب داده‌شده کار کنند.



رویکرد دیالوژیک

یک رویکرد آموزشی که به نفع پروسه‌های آموزشی فراگیر است، رویکرد گفتمانی است،

یعنی شخصی که از برابری، شفقت و توانمندسازی الهام گرفته است. در واقع موفق می‌شود تنوع گروه را به یک منبع تبدیل کند.

چگونه؟

با تقویت ایجاد یک سیستم متعادل

که همه احساس می‌کنند و می‌توانند در آن شرکت نموده،

- دانش و توانایی‌های خود را شریک ساخته،
- نیازمندی‌ها و مشکلات خود را ابراز نموده،
- مسئولیت‌های کوچک یا بزرگ را برای خود و دیگران بر عهده می‌گیرند.